

بررسی نقش خیابان در ایجاد مکث شهری و ورود سرمایه‌های فرهنگی به شهر؛ مورد

مطالعه: خیابان ابوذر منطقه ۱۷ شهرداری تهران

اصغر مهاجری^۱، فهیمه کشمیری^۲

چکیده

توجه بین رشته‌ای به مسأله چند بعدی خیابان به عنوان یک مفهوم فرهنگی و اجتماعی، نشان‌دهنده پیوند میان مطالعات شهری با حوزه‌های جامعه‌شناسی و مدیریت فرهنگی است. در مقاله حاضر به نقش خیابان به عنوان عنصری معنادار در فضای شهری پرداخته شده و هدف آن بازخوانی فرهنگی-اجتماعی این فضا در راستای کشف زوایای پنهان خیابان و کارکردهایش در ایجاد مکث شهری و ورود سرمایه‌های فرهنگی به شهر است. روش پژوهش کیفی بوده و از سه شیوه رویکرد نظریه‌مبنایی برای تدوین نظریه، مطالعه میدانی و مصاحبه گروه متمرکز با هدف کشف استفاده شده است. مشاهده مستقیم و غیرمستقیم، گفت‌وگو و مصاحبه با کارشناسان متخصص در قالب فوکوس گروپ و مصاحبه نیمه ساختاریافته با کنشگران عامل/ذی‌نفعان بهره‌بردار، از جمله ابزارهای گردآوری داده‌ها است. یافته‌ها نشان می‌دهند صحنه خیابان با ورود سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی قابل تبدیل، به فضایی برای مکث شهری، تماشا و دعوت از کنشگران مطالبه‌گر برای سهم شدن در اداره شهر برای کاهش و تعدیل آسیب‌های اجتماعی است.

واژه‌های کلیدی: خیابان، مکث شهری، سرمایه فرهنگی، معنا.

۱- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول)

a.mohajeri@iauctb.as.ir

۲- کارشناس ارشد گروه مدیریت امور فرهنگی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

fahim.k988@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۰

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۶/۱۳

مقدمه

انتخاب و استقبال شهروندان از یک فضای شهری برای انجام دادن و یا به نمایش گذاشتن فعالیت‌های خود، نشانه‌ی موفقیت فضا در جلب اعتماد شهروندان است. امروزه خیابان به عنوان پرکاربردترین و پویاترین عنصر شهری، به بازخوانی و بازآفرینی مفهوم مکث نیاز دارد؛ زیرا در طول تاریخ بیشترین سهم از برگزاری مناسبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مانند برگزاری جشن‌ها، آیین‌ها، سوگواری‌ها و اعتراضات سیاسی در این عضو جریان‌ساز شهری به وقوع پیوسته است. خیابان، محل شکل‌گیری و انباشت خاطره‌های جمعی شهروندان است که بخش تأثیرگذاری از زیست اجتماعی خود را در بستر آن رقم زده و با هم در آن سهیم شده‌اند. دور شدن خیابان از محلی برای مکث را می‌توان حاصل توجه صرف به سواره‌محوری، کاهش قابل توجه المان‌های جذاب برای حضور و عدم حمایت از جریان‌های فرهنگی و اجتماعی دانست. در این پژوهش سعی شده است چرایی زوال مکث شهری در خیابان ابوذر مورد مشاهده و بررسی قرار گیرد؛ بدین منظور از روش کیفی و به کار بردن سه شیوه‌ی رویکرد نظریه‌ی مبنایی برای تدوین نظریه، مطالعه‌ی میدانی و مصاحبه‌ی گروه متمرکز با هدف کشف استفاده شده است. مشاهده‌ی مستقیم و غیرمستقیم، گفت و گو و مصاحبه‌ی با کارشناسان متخصص در قالب فوکوس گروپ و مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته با کنشگران عامل/ذی‌نفعان بهره‌بردار، از جمله ابزارهای گردآوری داده‌ها است. در پایان مشخص شد آنچه خیابان ابوذر را در سرایشی زوال قرار داده است، عدم توجه به پیاده‌محوری، آموزش‌های موثر، بهداشت و امنیت شهروندان است که برای برون رفت از این وضعیت، باید راه را برای ورود سرمایه‌های فرهنگی به این خیابان هموار ساخت.

بیان مسأله

بی توجهی به بعد معنایی خیابان، در طول سالیان متوالی باعث شده هویت شهری نیز به تدریج در شیب فرسایش معنا قرار گیرد. اولویت بخشیدن به ارتباط سریع، نداشتن

رویکرد مشخص مدیریتی برای ارتقای کیفی خیابان‌ها و تبدیل شدن آن به گذرگاهی برای سواره‌ها و پارکینگی بزرگ برای خودروها، حاصل نگاه تک‌بعدی به این عنصر حیات‌بخش شهری است که آسیب‌های ناشی از ناامنی‌های اجتماعی، روانی و جسمی آن، با قدرت گریبان تمام کنشگرانی که با خیابان در ارتباطند، خواهد گرفت.

در حالی که گذر زمان و آهنگ شتاب تغییرها در زیست اجتماعی شهر تهران، نیاز به تعریف کاربری‌های جدید برای جمعیت متغیر و رو به افزایش، ایجاد کارکردهای نوین برای پوشش حداکثری نیازهای متنوع را امری ضروری و حتی بدیهی می‌داند، خیابان ابوذر همچنان در برابر تغییرات مقاوم مانده و ساختش در مواجهه با تغییرهای عصر جدید ناسازگار، بی‌تعادل، متعارض و آشفته شده است. ضعف مدیریت شهری در کاربست سرمایه‌های فرهنگی برای نگهداشت فضای شهری و حل تعارض‌های کالبدی، ناکارآمدی آموزش‌های شهروندی پیرامون معنابخشی به خیابان، به عنوان محلی سرزنده برای زندگی روزمره و صحنه‌ای برای نمایش مناسبات اجتماعی و فرهنگی، عدم روحیه مطالبه‌گری، وجود شکاف تعاملی و سد بروکراسی‌های زائد میان شهروندان و مدیریت شهری، عدم حضور مؤثر دستگاه‌های نظارتی و امنیت‌بخش و... در ساخت وضعیت کنونی خیابان ابوذر قابل تأمل است. شواهد (تصاویر شماره ۱ تا ۳) نشان می‌دهند در خیابان ابوذر مسائلی از جمله ناهمخوانی میان کالبد و کارکرد، وجود بافت فرسوده با ظاهری آلاینده، نشانه‌هایی از بافت‌های روستایی درون‌محور، کمبود سرانه‌های فضاهای فراغتی، ورزشی، پاتوق فرهنگی و پارکینگ، سختی امکان نفوذپذیری به داخل بافت، کاربری‌های ناسازگار و جاذب ترافیک، وجود فضاهای بی‌دفاع شهری، منش آلاینده‌گی، سواره‌محوری، تجاوز خودرو به حریم پیاده‌گشت، کمبود فضاهای عمومی مناسب در ایجاد تعامل‌های اجتماعی و... هشدارهایی از وجود اختلال و تعارض را نشان می‌دهند که باعث شده این خیابان به عنوان یکی از محورهای دارای هویت تاریخی و فرهنگی، صحنه خوشایند و روح‌افزایی برای مکث و همچنین مجالی برای نمایش سرمایه‌های فرهنگی نباشد.



تصویر ۱- آلاینده‌ها/ منش آلوده‌کننده‌گان، خیابان ابوذر، شهرداری منطقه ۱۷ تهران.



تصویر ۲- آلاینده‌ها/ منش آلوده‌کننده‌گان، خیابان ابوذر، شهرداری منطقه ۱۷ تهران.



تصویر ۳- سواره‌محوری/تجاوز خودرو به حریم پیاده‌گشت، خیابان ابوذر، شهرداری منطقه ۱۷ تهران.

نکته مثبت و قابل اتکا در این مسئله اجتماعی و فرهنگی، میل به داشتن تغییر است؛ زیرا در مشاهده‌ها، تفاوتی آشکار میان بخش‌هایی از خیابان که عملیات به‌سازی و توانمندسازی در آن اجرا شده، با سایر قسمت‌ها نمایان است. محدوده‌های منتهی به بیمارستان ضیائیان و شهرداری منطقه ۱۷ به عنوان دو کنشگر قدرتمند در محور ابوذر، شاهدی زنده، پیش روی مخاطب است که تصویر خوشایند تأثیر معنابخشی به خیابان را هرچند در ابعاد کوچک و محدود به نمایش گذاشته است.

اهمیت و هدف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، یافتن دلایل عدم وجود مکث شهری در خیابان ابوذر و ارائه کاربست‌های فرهنگی برای رفع این مسأله است. همچنین اهداف دیگر، روشن کردن زوایای پنهان کارکردهای گوناگون خیابان هم برای مدیریت شهری، بررسی بعد معنایی، توصیف و ایجاد ارتباط میان مفاهیم به هم تنیده اجتماعی و فرهنگی که در بستر پر اهمیتی به نام خیابان تجلی پیدا می‌کند، است.

خیابان در باطن خود نرم‌افزاری از جنس فرهنگ دارد. این نرم‌افزار، طیف متنوعی از ارزش‌ها، باورها، هنجارها، عناصر پیرامونی و مهم‌تر از آن سرمایه‌های فرهنگی و

اجتماعی است که شخصیت خیابان را شکل داده و به آن هویت می‌بخشد؛ پس چنانچه به خیابان تنها از زاویه‌ی یک سخت‌افزار سخت و خشن در بستر شهر بنگریم، بخش قابل توجهی از مفهوم و کارکرد آن از میدان دید ما پنهان می‌ماند.

تاریخچه (ادبیات تحقیق)

خیابان

دهخدا، خیابان را به عنوان «رسته‌ای که در باغ برای عبور و مرور می‌سازند و کنارهای آن را گل کاری می‌کنند»، معنا کرده و در فرهنگ عمید نیز خیابان در معنای قدیمی به «راه راست و هموار در باغ» اطلاق شده است. همچنین «پژوهش‌هایی که مفهوم کلی و زبان‌شناسی واژه خیابان را مورد مطالعه قرار داده‌اند، این واژه را برگرفته از واژه «آب» می‌دانند که از مشخصه‌های فضایی آن طراوت و تازگی است» (آتشین بار و متدین، ۱۳۹۷).

خیابان، بارزترین فضای عمومی در شهر است. آوردگاهی برای تجلی حیات مدنی و صحنه‌ای برای نمایش مناسبات اجتماعی و فرهنگی که با ایجاد ارتباط بین فضاها و کالبدها، همانند شریان‌های بدن، زندگی و پویایی را در شهر به نمایش می‌گذارد. این نمای متحرک و جریان‌ساز که ساختارهای ساکن را به هم مرتبط کرده، شبکه‌های ارتباطی را به وجود آورده و تعامل‌های میان فردی، گروهی و کنش‌های متقابل نمادین در بستر آن شکل می‌گیرد، از عناصر پیرامونی تشکیل شده که خود را با آن‌ها صحنه آرایی می‌کند و به مخاطب می‌شناساند؛ برخی از این عناصر مانند کف‌پوش، فرازاها و فرودهای ترددی، قامت درختان طرفین، تندیس‌ها و مجسمه‌ها، ترتیب جدول‌بندی‌ها، کیفیت سازه جداره‌ها، هارمونی رنگ و نور در نمای کاربری‌ها، نوع و نحوه عبور وسایل نقلیه و بهداشت محیط آشکارا در معرض دید همگان است؛ اما آنچه به یک فضا هویت و شخصیت می‌بخشد، اجزای ملموس آن نیست؛ کیفیت این عناصر، سهم اندکی در هویت‌بخشی آن دارند؛ آنچه اهمیت دارد چگونگی روابط میان عناصر و نظام ارزشی حاکم بر آن‌هاست. شخصیت و هویت اجتماعی و فرهنگی خیابان را از نوع ارتباط و

میزان درهم تنیدگی و وابستگی اجزای صحنه و بازیگرانش می‌توان دریافت. مجموعه این ویژگی‌ها باعث می‌شود اهالی یک خیابان خود را «این‌جایی» بدانند و هویت اجتماعی خود را به محل سکونت‌شان گره بزنند. این هویت ارتباطی عمیق با سرمایه‌های فرهنگی/نمادین دارد.

سرمایه فرهنگی

سرمایه‌های فرهنگی، اندوخته‌های اکتسابی و موروثی هر فرد در گذر زمان است که خاستگاه کسب و نحوه توزیع آن براساس نظر بوردیو از سه منبع عمده «پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی» (راد و همکاران، ۱۳۹۰) نشأت می‌گیرد. «سرمایه فرهنگی در خلأ فرهنگی عمل نمی‌کند بلکه نیرویی است که ایفای نقش خود را در یک ساختار فراخ‌تر اجتماعی انجام می‌دهد» (اسمیت، ۲۰۱۷). خیابان پیش از آن‌که مقوله‌ای کالبدی باشد، مفهومی فرهنگی و اجتماعی است که نه تنها فضایی برای کنشگران اقتصادی، بلکه صحنه‌ای پویا برای تعامل‌های اجتماعی به شمار می‌آید و این استعداد را دارد تا در تثبیت هویت فرهنگی ساکنانش نقش مهمی ایفا کند. خیابان در ذات خود، جنسی از فرهنگ دارد و مشحون از نمادهای فرهنگی است؛ از مجسمه‌های ساخته شده در میدانها و اماکن فرهنگی شاخص مانند موزه‌ها و نگارخانه‌ها گرفته تا تنوع کاربری‌ها و کسب و کارها، نوع رفتارهای کنشگران در مواجهه با مسائل زندگی روزمره و حتی نام خیابان که برگرفته از حادثه‌ای خاص و یا شخصیتی برجسته است، نمونه‌هایی از نمادهای فرهنگی و یا برگرفته از سرمایه‌های فرهنگی در خیابان‌ند. خانواده به عنوان اولین نهادی که فرایند پرورش فرزند است و اجتماعی شدن او را با آموزش‌های غیر رسمی خود آغاز می‌کند، اولین آموزه‌های مربوط به کسب سرمایه فرهنگی را نیز که از پایگاه اقتصادی، جایگاه اجتماعی و قومیت نشأت گرفته است، به اعضای خود می‌آموزد.

علاوه بر پرورش خانوادگی، نظام آموزش رسمی که تابعی از اقتصاد محلی است و در کنار آن فرهنگ شغلی که از سرمایه اجتماعی و نظام آموزشی متأثر است، پیش فرض‌هایی مانند سرمایه نمادین، توان مناسب‌سازی و ارتباط‌گیری، ارتباطات کلامی و

غیر کلامی، رعایت آداب شهری و مهم‌تر از آن نوع معماری و آرایش شهری، نیز همگی عناصر بنیادی سرمایه فرهنگی‌اند که بسترها و شرایط را برای ایفای کنش در صحنه مناسبات اجتماعی برای افراد به وجود می‌آورند و این امکان را برای آن‌ها فراهم می‌سازند تا در رویارویی با آنچه ساختار اجتماعی و نظام معیارین برایشان تعیین کرده است، دست به انتخاب بزنند و ظرفیت‌های میل به ملاقات و مکث شهری را فراهم سازند. نمود بیرونی این انتخاب که در قالب رفتار یا کنش اجتماعی بروز می‌کند و شخصیت اجتماعی-فرهنگی یک خیابان را شکل می‌دهد، تابعی از انباشت سرمایه فرهنگی افراد است که از منابع سه‌گانه سرمایه اجتماعی مورد نظر بوردیو به دست می‌آید.

تفاوت در منابع ذکر شده سبب بروز تفاوت در رفتار افراد و تعامل آن‌ها در فضای شهری می‌شود؛ بنابراین هر چه راه ورود منابع سرمایه‌های فرهنگی به خیابان هموارتر گردد، رفتارها و تعامل‌های اجتماعی شهرنشینان نیز تحت تأثیر آن غنی‌تر شده و شخصیت اجتماعی و فرهنگی خیابان در طی زمان بازآفرینی می‌شود. ملزومات این منابع نیز ورای آوردگاه خیابان مهیا می‌شود؛ پشت صحنه‌ای که بازیگران در آن آموزش‌های رسمی و غیررسمی را برای دریافت مجوزهای تعیین شده از سوی نظام معیار جامعه برای حضور بر روی صحنه، کسب می‌کنند.

هر شهرنشین به عنوان عضوی از جامعه شهری، سهمی از سرمایه فرهنگی را نمایندگی می‌کند و صحنه خیابان با دو گونه از این سرمایه -انباشته در خود و اندوخته در کنشگران- در تعامل است؛ به عبارت دیگر، خیابان هم محلی برای به نمایش درآمدن نقش‌های افراد با سطوح متفاوتی از سرمایه فرهنگی است و هم در ذات، ظرفی است برای سرمایه‌های منحصر به خود و فارغ از افراد؛ بنابراین در ترکیبی متنوع، آنچه را در باطن خود که شامل نظام معیارین (مشمول بر فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارها) و سرمایه‌های فرهنگی افراد مهیا می‌شود و شکل می‌گیرد، در ساحت خود متجلی می‌سازد و هم‌زمان با آن، دیگر سرمایه‌های اختصاصی خود را در معرض تعامل قرار می‌دهد؛ هر عضو جامعه شهری در مواجهه با اجتماع و به‌طور جزئی‌تر کالبدی به نام خیابان، بخش قابل توجهی

از سرمایه فرهنگی خود را به نمایش گذاشته و هم‌زمان هم تأثیرگذار است و هم تأثیرپذیر. کیفیتی که از شهر برداشت می‌شود بیش از هر چیز به کیفیت خیابان‌های آن بستگی دارد. کیفیت خیابان هم، وابسته به عناصر پیرامونی شکل دهنده آن و ارتباط میان اجزاست که شخصیت خود را از آن به عاریت می‌گیرد. کیفیت این عناصر به طور مستقیم بر کیفیت ایفای نقش خیابان و به طور غیرمستقیم بر بازی نقش سایر المان‌های شهری که تابعی از سرمایه‌های فرهنگی است، تأثیر می‌گذارد.

مکث شهری

«فضای مکث را می‌توان فضای شهری پذیرای دیدار، نشیمن شهری، پاتوق شهری و فضای مردم‌گرا نامید. فضاهای مکث می‌توانند تزئینات و عناصر خاص خود را داشته باشند که با توجه به اهداف و انتظاراتی که از فضا می‌رود، شکل می‌گیرند. استفاده از هنرهای شهری همچون هنر نصب، ویدئوآرت، عناصر، المان‌ها و احجام شهری، مبلمان و عناصری برای تأمین آسایش و دعوت‌کنندگی، روشنایی و نورپردازی، گل و گیاه متناسب با فضا، آب‌نما و فواره، نمادهای آیینی و تندیس‌های زیبا، هر کدام با توجه به مخاطب، موقعیت شهری و... شکلی خاص می‌یابند و می‌توانند به خدمت گرفته شوند. فضاهای مکث با کارکرد توقف، تدبیر، تفکر و گفت‌وگو در شهرهای امروزی که همه با سرعت و بی تفاوتی از کنار یکدیگر می‌گذرند، می‌تواند فرصتی برای با هم بودن و در کنار هم ماندن ایجاد کند. فضایی در دل هیاهوهای شهری که شاهد ایستادن، نشستن و ماندن مردم است؛ مردمی که حضورشان فضا را معنا دار کرده و پاتوق‌هایی را شکل می‌دهد که احساس تعلق به مکان یا خاطره جمعی ایجاد می‌کنند» (ازدری، ۱۳۹۸).

محور ابوذر

خیابان ابوذر محوری شرقی-غربی به طول ۲/۸۱۵ کیلومتر و در منطقه ۱۷ شهرداری تهران واقع شده است. از لحاظ جغرافیایی، از شمال به خیابان قزوین و ۴۵ متری زرنده، از جنوب به بزرگراه شهید چراغی، از شرق به بزرگراه شهید نواب صفوی و از غرب به بزرگراه شهید آیت الله سعیدی منتهی می‌شود.

در جریان اقدام‌های تروریستی سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۶۰ در حذف رهبران اصلی پیرو خط امام، مسجد ابوذر، به عنوان یکی از پایگاه‌های مهم سیاسی و اجتماعی هدف ترور آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت که نافرجام بود. می‌توان چنین برداشت کرد که تغییر نام خیابان از فلاح به ابوذر، ناشی از این رخداد تاریخی بوده است؛ بنابراین این محور علاوه بر دیرینگی در ساخت شهر تهران، پایگاهی برای فعالیت‌های سیاسی و مذهبی از دوران انقلاب اسلامی نیز بوده است.

مروری بر پیشینه تحقیق و چارچوب نظری

آتشین بار و متدین در پژوهشی با عنوان «زوال بعد معنایی خیابان در ایران از دوران باستان تا امروز» ماهیت و چیستی خیابان، جایگاه و معنای مستتر در آن را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش «گوهر نوشاهی، مدرس زبان اردو در دانشگاه فردوسی مشهد، خیابان را در مقابل بیابان می‌داند و معتقد است که لفظ «بیابان» به دشت وسیع بی‌آب و «خیابان» که ضد آن است، به گلزار و چمن اطلاق می‌شود. سعید نفیسی خیابان را متشکل از دو کلمه «خوی»+«آب» به معنی جایی که آب از زمین می‌جوشد دانسته و معتقد است «الف» و «نون» آخر آن، «الف» و «نون» ی است که در آخر بسیاری از نام‌های جغرافیایی و آبادی‌های ایران آمده است؛ مثل رادکان، اردکان، رازان، تهران و شمیران. دبیرسیاقی «الف» و «نون» در کلمه خیابان که در تداول، خاصه در تداول مردم قزوین و تبریز خیواون هم گفته می‌شود، نشانه نسبت می‌داند؛ (خیاب+ان) یا (خیوا+ان). وی با ارجاع به غیاث‌اللغات، خیاب را به معنی بی‌بهره و ناامید و خیوا را به معنای جایی که آب آن اندک باشد، دانسته است. «جنیدی» واژه خیابان را مرکب از ترکیب خوی+آپان (آبان) به معنای نگهبان آب و جایی که بر اساس حضور یک چشمه درخت‌کاری می‌شود، می‌داند. وی نیز در مقابل واژه خیابان، واژه بیابان را (ویابان) به معنای جایی که دور از نگهبان است قرار می‌دهد» (آتشین بار و متدین، ۱۳۹۷).

فاضلی در کتاب کلان‌شهر و فرهنگ، ظهور خیابان به شیوه مدرن را رهاورد دوره

قاجار می‌داند. وی معتقد است «با ظهور «خیابان ناصری» و «خیابان لاله‌زار» در تهران قدیم، نوعی چرخش مدنی یا تمدنی در معنای شهر در ایران پدید آمد. در این چرخش تمدنی در ایران معاصر، خیابان یکی از مهم‌ترین ارکان شهر و شهروندی شد؛ به این معنا که روستاییان، عشایر و افراد از شهرهای کوچک به تدریج به تهران می‌آمدند تا از طریق زیستن در خیابان‌های تهران «تجربه شهری شدن» مطابق شهر معاصر را به دست آورند. در این تجربه آن‌ها معنای تازه‌ای از «خود» یا «شخص» به دست می‌آوردند. شخص یا خود از طریق زندگی در خیابان، رفتن به سینما، تئاتر، پارک، مشاهده مغازه‌ها و خرید و معامله در آن‌ها، گفت و گو با عابران، تجربه کردن اشیا و اتومبیل‌ها، چیزهایی در خیابان‌ها می‌آموزد [که نشان می‌دهد] او «شهرنشین» و «شهروند معاصر» شده است» (فاضلی، ۱۳۹۹: ۱۸۷-۱۸۶). جین جیکوبز تصور از شهر را چنین بیان می‌کند: «به یک شهر بیندیشید، چه چیز به ذهن خطور می‌کند؟ خیابان‌هایش. وی از خیابان به عنوان محلی یاد می‌کند «برای کسانی که علاقه‌مند به قلمروهای اعتراض در شهرهایند، همواره جاذبه خاصی داشته است. خیابان‌ها، سرزمین درگیری‌های اجتماعی، اعتراض سیاسی، حیطة سلطه و مقاومت و محل لذت و اضطرابند» (هاروی و دیگران، ۲۰۱۷: ۱۶۷).

کارن مالون نیز خیابان را «حیطة سازنده فرهنگ جوانان» می‌داند. وی در یک بررسی با عنوان «زندگی خیابانی: جوانان، فرهنگ و کاربری‌های رقابتی فضای عمومی» می‌گوید: «برای بسیاری از جمعیت جوان، خیابان صحنه نمایش است که در آن هویت اجتماعی خود را در برخورد با همسالان خود و دیگر اعضای جامعه می‌سازند. بسیاری از هویت‌هایی که جمعیت جوان در درون فضای عمومی می‌پذیرند، تناقض‌آمیز و متعارض با فرهنگ غالب است (شلوغ، کثیف، پر سر و صدا، در حال استعمال دخانیات و درگیر امر جنسی) در حالی که دیگران متناسب‌اند (تمیز، مرتب، مؤدب، در لباس فرم مدرسه). تجلی آشکار فرهنگ جوانان می‌تواند به صورت به چنگ درآوردن فضا از دست فرهنگ غالب دیده شود. ساختن خویشتنی در میان دریای بی‌خویشتن خیابان‌های شهر» (همان). وی افق آینده آرمانی را «شهری بدون ستم و فضایی باز با خیابان‌های خوش‌آمدگو»

می‌داند. یک زندگی خیابانی پرطراوت و هیجان‌انگیز که در آن تفاوت میان مردم پذیرفته می‌شود. «سیاست یک خیابان گشوده در ابزارهای رسمی و ایدئولوژیک برای تصدیق و تأیید گروه‌های متفاوت و نیازهای فضایی آن‌ها قرار دارد که می‌تواند از سه راه رخ دهد: نخست، با دادن نمایندگی سیاسی به گروه‌ها برای ابراز نیازهای‌شان؛ دوم، با تجلیل از فرهنگ‌های متمایز و خصوصیات گروه‌های متفاوت و در نهایت، با بازاندیشی نقش خیابان‌ها به عنوان حیطه‌های فرهنگ جمعی و تولید و بازتولید فرهنگ. خیابان به عنوان مرزی که به شکل اجتماعی در میان حوزه عمومی و خصوصی ساخته شده است، می‌تواند به مثابه فضایی در چشم‌انداز شهر که در آن تفاوت‌ها، نمایش‌ها، اجراها و کارناوال‌ها تجلیل می‌شوند، جان دوباره‌ای بیابد. خیابان می‌تواند به عنوان فضایی بازسازی شود که در آن به «دیگری»، فرصت ابراز هویت فرهنگی و اجتماعی خویش داده می‌شود» (هاروی و دیگران، ۲۰۱۷: ۱۶۷).

لوفور به خیابان مانند یک جریان فرهنگی ریتمیک که از پنجره آپارتمان می‌توان دید و شنید می‌نگرد. از نظر وی «پنجره مشرف به خیابان، مکانی انتزاعی نیست که چشم ذهن بتواند از درون آن، درکی انتزاعی از رخداد‌های خیابان به دست آورد؛ بلکه مکانی واقعی است که نه تنها دیدن را میسر می‌سازد؛ بلکه به بینش نیز منتهی می‌شود. ناظر درگیر آنچه در خیابان رخ می‌دهد، می‌شود. لوفور خواننده را دعوت می‌کند که همراه با او از پنجره‌ها به بیرون نگاه کند؛ یعنی به ریتم‌های ناهمگون خیابان توجه کند. آن پایین در خیابان، مردم کوچه و بازار با سیلی از سر و صدا عبور می‌کنند و هم‌زمان از ریتم‌های جسم خود نیز تأثیر می‌پذیرند. از پشت پنجره می‌توان ریتم‌های افراد را از یکدیگر تشخیص داد» (گون واردنا و دیگران، ۲۰۱۴).

چرخ‌چیان، در پژوهشی که در سال ۱۳۹۶ با عنوان «زندگی روزانه در خیابان» برای شناخت ویژگی‌های مشترک بین خیابان‌های مطلوب که آن‌ها را برای کاربران جذاب و مطلوب می‌کند انجام داده است، «خیابان «آزادی» در شهر تهران، حد فاصل میدان انقلاب تا اکباتان را به عنوان فضایی که با وجود اهمیت کالبدی و موقعیت اجتماعی و سیاسی،

فاقد کیفیت لازم برای حضور پیاده است را بررسی کرده است. این خیابان با وجود اینکه به عنوان یکی از شریان‌های اصلی شهر، عناصر شاخصی به لحاظ معنایی، کالبدی و عملکردی در خود جای داده است، اما کمترین مطلوبیت را به لحاظ کارایی دارد؛ زیرا عدم تناسب فضا و عدم حمایت آن از عملکردهای جاری، کارایی و موازنه لازم بین ابعاد مختلف آن را ایجاد نکرده است» (چرخچیان، ۱۳۹۶).

اربابان اصفهانی و سیدصادقی در پژوهشی با عنوان «بررسی دوره‌های شکل‌گیری و عناصر کالبدی خیابان‌ها و روند پیشرفت آن به شکل امروزی» در سال ۱۳۹۴ که برای سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران در دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که «شبکه درهم تنیده خیابان‌های شهری که نتیجه سال‌ها تلاش شهروندان برای تداوم حیات شهری است، پر از خاطرات، دل‌مشغولی‌ها، نیازها و سلائق شهروندان بوده و گویای نوع زندگی، طرز تفکر، سطح اقتصادی، نوع روابط اجتماعی و سایر اشتراک‌های ذهنی و عینی شهروندان در مقیاس شهر است. اکنون رویارویی با مشکل و معضل‌های امروز جامعه و نیز آشفتگی و بی‌نظمی که در پی هر دگرگونی کالبدی در شهرها ایجاد می‌شود، موجب تبدیل خیابان‌ها به مکان‌هایی فاقد هرگونه جاذبه و حس تعلق گردیده‌اند که در میان تمامی اهداف و ویژگی‌هایی که برای توصیف خیابان‌های شهری بیان شد، فقط به جنبه ترافیکی و حمل و نقل پرداخته شده است» (اربابان اصفهانی و سیدصادقی، ۱۳۹۴).

این دو پژوهشگر از قول سرکولین بوچانان در کتاب «ترافیک در شهرها» یادآور شده‌اند که کمتر کسی با نظر وی که در سال ۱۹۶۳ میلادی اظهار کرد، مخالف است. طبق نظر بوچانان «شرایطی که فرد بتواند با آزادی کامل در یک محیط شهری گام بردارد و به اطراف بنگرد، مهم‌ترین نشانه کیفیت تمدن آن محیط به شمار می‌رود». در این پژوهش عناصر کلیدی‌ای مانند سرزندگی، انعطاف، خاطره‌انگیزی و ایمنی، به عنوان اهداف خیابان‌های شهری معرفی شده است.

درباره فرهنگ خیابانی جوانان، چشم‌اندازی متفاوت را در پژوهشی که درباره جمعیت جوان محله بندری بوکا-باراکاس با عنوان «محله ما اینگونه است!» در آرژانتین انجام شده است، می‌توان یافت؛ جایی که جمعیت جوان، خیابان‌ها را به عنوان حیطة‌های تولید فرهنگی تجربه می‌کنند. در این پژوهش آمده است «اگرچه کودکان بوکا-باراکاس سطح عمومی آلودگی، درهم‌ریختگی و نبود تعمیرات و محافظت از میدان‌ها، خیابان‌ها و پیاده‌روهای ناحیه را مورد انتقاد قرار می‌دهند، اما از این فضاها استفاده می‌کنند؛ زیرا جای دیگری برای رفتن ندارند. اگرچه این فضاها از نظر یک بیگانه نامطلوب به نظر می‌رسد؛ آن‌ها زندگی جمعی را در این محلات شکل داده‌اند: در شکل صنایع کوچک، کافه‌ها، مغازه‌ها و کیوسک‌های همه جا حاضری که یک کودک می‌تواند به بهای چند سنت، از آن خوردنی خوشمزه‌ای بخرد» (کاسکو و مور، ۲۰۰۲).

از دیدگاه جوزف لوندوسکی «خیابان‌ها محل اقامت امر اجتماعی‌اند. امر اجتماعی، موجودیتی همیشه بی‌قرار و در حال حرکت است که مانند افراد در چهاردیواری‌ها زندگی می‌کند، دانش می‌اندوزد، تجربه می‌کند و می‌آفریند» (هاروی و دیگران ۲۰۱۷: ۱۱۷). به نظر او می‌توان گفت خیابان، فضایی برای جامعه‌پذیری و به تبع آن شکل‌گیری و بروز سرمایه‌های اجتماعی است. این سرمایه در تعامل با دیگران و حتی در جریان زندگی روزمره شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود؛ اما باید این نکته را در نظر داشت که «عدم استفاده از سرمایه اجتماعی باعث کاهش آن می‌شود؛ در حالی که استفاده از سرمایه فیزیکی منجر به تقلیل آن می‌گردد؛ اما سرمایه اجتماعی بر خلاف سرمایه فیزیکی به موجب استفاده، مستهلک نمی‌شود؛ بلکه استفاده از آن باعث تقویت و افزایش آن می‌شود. سرمایه اجتماعی همانند دیگر سرمایه‌ها نیاز به سرمایه‌گذاری دارد و در صورت عدم سرمایه‌گذاری از بین می‌رود» (مصطفی پور، ۱۳۹۲).

فقدان و یا کاهش سرمایه‌های اجتماعی در جامعه‌ای که در حال گذار از سنتی به مدرن است، انسجام افراد را به طور جدی کاهش می‌دهد. «جامعه توده‌ای، در معنای محدودتر در شرایط دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن یا در خود جامعه مدرن پیدا می‌شود. جامعه مذکور از افراد پراکنده تشکیل شده است؛ افرادی که هیچ نوع رابطه

منسجم معنادار یا اخلاقی با یکدیگر ندارند. این مردم در ظاهر ذرات پراکنده یا ذرات واقعی تلقی نمی‌شوند؛ اما گفته می‌شود که ارتباط بین آن‌ها صرفاً قراردادی، سرد و فاقد انسجام است و به هیچ وجه اعضای جامعه یکپارچه محسوب نمی‌شوند. این ویژگی جامعه توده‌ای است که افراد برخوردارها و تماس‌های زیادی با یکدیگر دارند ولی هیچ کدام از آن‌ها مؤثر نیستند» (حسینی‌زاده، نیازی و کلانتری، ۱۳۹۹).

نیشا افراندو در پژوهشی با عنوان «فضاهای باز» به بررسی این مسأله می‌پردازد که «چگونه سه خیابان شهری در سه محیط فرهنگی متفاوت، زندگی عمومی را با گشودن به امکان کاربری‌های متنوع در کوتاه‌مدت، تقویت می‌کنند. خیابان‌های باز^۱ در هر زمینه فرهنگی بیانگر هویتی فرهنگی-اجتماعی‌اند که با زمینه خود پیوند می‌خورد. آن‌ها این کار را با تطبیق فعالیت‌های فرهنگی از جشن‌ها گرفته تا زندگی اجتماعی روزمره انجام می‌دهند. هنگامی که خیابان‌های شهری برای مصارف عمومی مختلف باز هستند، سرزندگی و کیفیت ایجاد می‌کنند. فراندو معتقد است «فضاهای عمومی فعال، زندگی عمومی در شهرها را توانگر می‌کنند. آن‌ها به عنوان فضاهای قابل تنفسی عمل می‌کنند که مردم می‌توانند در آن استراحت و معاشرت کنند، غذا و دیگر اجناس لازم‌شان را تهیه کنند و در رویدادهای عمومی مختلف شرکت بجویند یا به سادگی از بودن در محیط شهری لذت ببرند و زندگی روزمره اطراف خود را لمس کنند. در بعضی فرهنگ‌ها، خیابان‌های شهری فضاهای عمومی فعالی‌اند که صحنه را برای فعالیت‌های تجاری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آورند، صحنه‌های شهری زنده‌ای را خلق و تجربه‌های زندگی عمومی را تقویت می‌کنند» (هاروی و دیگران، ۲۰۱۷: ۱۴۹-۱۵۰).

روش تحقیق

روش پژوهش

هنگامی روش کیفی را برای انجام پژوهش برمی‌گزینیم که موضوع مورد مطالعه، ظرفیت قابل توجهی برای واکاوی داشته و از زوایای پنهانی برخوردار باشد که در

پژوهش‌های کمی از تیررس پژوهشگر خارج است. در روش پیمایشی به دلیل تقلیل متن به اعداد و جداسازی سوژه از بسترهای اجتماعی‌اش، اطلاعات ترکیبی و بخش‌های دیده نشده‌ی موضوع از دست خواهد رفت؛ از این رو برای یافتن جزئیات مهم و پنهان باید میدان مورد مطالعه را با دقت بررسی کرد. «این جزئیات تنها از طریق گفت‌وگوی مستقیم با افراد، رفتن به منزل یا محل کار آنان، اجازه دادن به آن‌ها برای بیان داستان خودشان (فارغ از آنچه ما انتظار یافتن آن را داریم یا آنچه در پیشینه خوانده‌ایم)، قابل تحقق و دستیابی است» (کرسول^۱، ۲۰۲۰). دارا بودن ساختار منعطف، برخورداری از جذابیت‌های داستانی و ادبیات منحصر به فرد پژوهش کیفی، در عین اینکه کاملاً از اصول و قواعد دانشی پیروی می‌کند، کمک شایانی به بیان مفهوم خیابان می‌کند. همچنین بررسی این مفهوم از نگاه فرهنگی و اجتماعی به دلیل آنکه طیف متنوعی از کنشگران را با هر میزان سطح تماس با خود همراه می‌سازد و در تعامل مستقیم با زندگی روزمره افراد است، با استفاده از روش کیفی از توفیق بیشتری برخوردار خواهد بود.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش، جمعیت ثابت و شناور خیابان ابوذر است که ساکنان، کاسبان و کارمندان این محور شرقی-غربی را شامل می‌شود که به طور تصادفی با ۶۵ نفر از آنان به صورت مستقیم مصاحبه شد.

ابزار گردآوری اطلاعات روش‌های کیفی شامل مصاحبه گروه متمرکز و شیوه‌های روش نظریه داده‌بنیاد/مبنایی گردآوری شدند. جدول شماره ۲ توزیع ابزار گردآوری داده‌ها بر اساس نام روش، شیوه و ابزار/ابزارهای گردآوری داده را نشان می‌دهد.

ردیف	نام روش	شیوه گردآوری داده	ابزار/ابزارهای گردآوری داده
۱	مصاحبه گروه متمرکز	برگزاری جلسه مصاحبه تخصصی، بارش فکری	دوربین فیلم‌برداری
۲	نظریه داده بنیاد/مبنایی	مشاهده هدفمند و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از کنشگران عامل/ذی‌نفعان بهره‌بردار در خیابان ابوذر	برگه راهنمای مصاحبه، دوربین عکاسی، دستگاه ضبط صدا

فنون تجزیه و تحلیل اطلاعات

با توجه به کیفی بودن این پژوهش و روش‌های برگزیده، برای دسترسی به داده‌های لازم برای توصیف وضعیت موجود خیابان و همچنین نوع رفتارها و نحوه کنش کنشگران عامل در آن، استفاده از مشاهده مستقیم و غیرمستقیم، گفت‌وگو و مصاحبه با کارشناسان متخصص در قالب فوکوس گروپ و مصاحبه نیمه ساختاریافته با کنشگران عامل/ذی‌نفعان بهره‌بردار به عنوان بهترین و صادق‌ترین شیوه‌ها برگزیده شد. این روش «درصد قدرت بخشی به افراد برای طرح داستان‌هایشان، شنیدن نظرات‌شان و حداقل ساختن روابط قدرتی که غالباً بین پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان یک مطالعه وجود دارد» (همان) است؛ زیرا روش کمی، تکافوی پیچیدگی‌های این موضوع را نداده و از لحاظ سنجه‌های کمی و تحلیل‌های آماری سازگار و مناسب مسأله مد نظر نیست.

در مصاحبه گروه متمرکز، پژوهشگر قصد دریافت بینشی را دارد که از تعامل بین فردی شرکت‌کنندگان در جریان بحث حاصل می‌شود؛ به عبارت دیگر، حتی تعامل و رفتارهای متقابل شرکت‌کنندگان در این مصاحبه به عنوان عاملی برای استخراج معنا و کشف هرچه بهتر تجربه‌های شرکت‌کنندگان در زمینه پژوهش عمل می‌کنند» (حریری ۱۳۹۴، ۱۶۶-۱۶۱). برای عملیاتی کردن این امر در هنگام مشاهده، سعی شد تمام سوژه‌های موجود در صحنه خیابان که قابلیت عکاسی داشتند، ثبت شوند. این سوژه‌ها که هم متعلق به ساخت خیابان است و هم مبلمان آن محسوب می‌شود، شامل کف‌پوش، خط‌کشی‌های عبور و مرور، تابلوهای راهنمایی و رانندگی، پارکینگ حاشیه‌ای، جانمایی ایستگاه‌های اتوبوس و سطل‌های مکانیزه جمع‌آوری پسماند، درختان دو سو، جدول‌بندی‌های کناره‌ها، خودروهای عبوری، جداره‌ها، نمای کاربری‌های مشرف و... می‌شود که مورد مشاهده مستقیم و غیرمستقیم پژوهشگر قرار گرفت. علاوه بر ابزار مشاهده، دادن تریبون به افرادی که در این خیابان زیست شهری روزانه دارند، برای طرح داستان‌هایشان، شنیدن نظرات‌شان و حداقل ساختن روابط قدرتی که غالباً بین پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان یک مطالعه وجود دارد، می‌تواند گره‌های مسأله را باز کند. این مهم نیز به وسیله گفت‌وگو، مصاحبه و برگزاری فوکوس گروپ با کنشگران به عنوان صاحبان

اصلی خیابان ابوذر انجام شد. برای تحقق این امر، پرسش‌های نیمه ساختاریافته برای مصاحبه‌ی حضوری با اهالی خیابان ابوذر - که شامل ساکنان، صاحبان مشاغل و مراجعان به خیابان بودند - طراحی شد تا راهنمایی برای گفت‌وگو با آنان باشد. مصاحبه‌ها با افرادی که تمایل به پاسخگویی داشتند، بر اساس پرسش‌های طراحی شده و برگه‌ی راهنمای مصاحبه انجام و با موافقت آنان توسط گوشی همراه ضبط و سعی شد تا نهایت امکان با ادبیات مصاحبه‌شونده با وی صحبت شود.

فرایند گردآوری داده‌ها از خیابان ابوذر، به صورت رفت و برگشتی انجام پذیرفت تا پس از هر تحلیل داده، در مراجعه بعدی به میدان، میزان بیشتری از داده‌های از چشم پنهان مانده آشکار گردند تا جایی که داده جدیدی برای افزودن به داده‌های پیشین یافت نشود. همچنین با انجام مصاحبه از کنشگران اصلی این خیابان - که شامل ساکنان، صاحبان مشاغل، کارمندان اداره‌ها و مدیران شهری منطقه‌اند - دیدگاه‌های آنان درباره‌ی موضوع، مورد اهمیت واقع شده زیرا همه کنشگران به اندازه مواجهه‌شان با خیابان، سهم و حق شهروندی دارند و مسائل موجود در آن را تجربه کرده‌اند.

یافته‌های پژوهش

«اطلاعات به دست آمده از فوکوس گروپ با حضور ۶ کارشناس متخصص و آشنا به محور ابوذر از مدیریت شهری منطقه ۱۷ در حوزه‌های فنی-عمران، برنامه‌ریزی و توسعه شهری، ترافیک و حمل و نقل شهری، اجتماعی و فرهنگی و معماری و شهرسازی با شیوه بارش فکری/بارش مغزی با هدف کشف مسأله اصلی در بازآفرینی محور ابوذر برگزار شد. در مورد شاخص هویت‌بخشی، این خیابان در مقایسه با دیگر محورهای نام‌دار منطقه مانند سجاد، امامزاده حسن و یافت‌آباد، دارای ویژگی‌های قابل تأملی است که آن را در مقام بالاتر از سایر محورها قرار می‌دهد. از نظر این کارشناسان، هویت منطقه ۱۷ از خیابان ابوذر ناشی می‌شود به طوری که اهالی همچنان خود را «فلاح^۱» می‌نامند و هویت خود را متعلق به این خیابان می‌دانند. در حالی که محور

۱. فلاح نام پیشین خیابان ابوذر است.

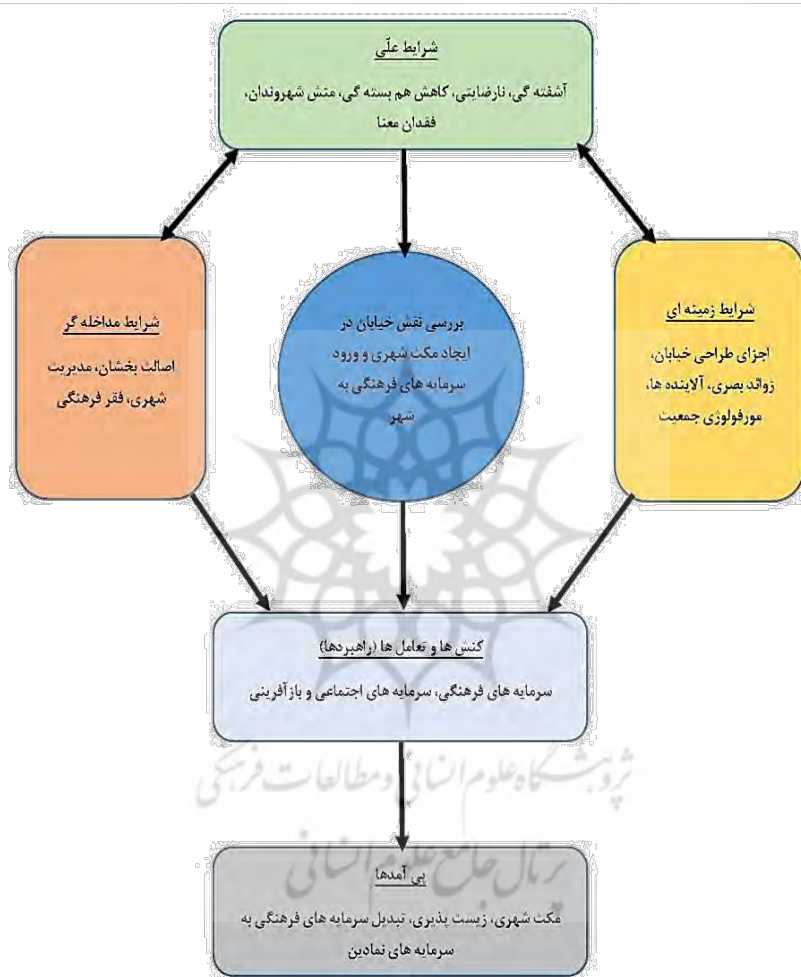
یافت‌آباد و امام‌زاده حسن میعادگاه مردمی از سایر مناطق تهران است، خیابان ابوذر متعلق به شهروندان ساکن این منطقه است و هویت اجتماعی این منطقه از نام «فلاح» نشأت می‌گیرد» (مهاجری ۱۳۹۹). سرزنده‌ترین محور بودن، تنوع کارکردی داشتن و هویت بخش بودن سه ویژگی مهم خیابان ابوذر از نظر کارشناسان متخصص است؛ اما نبود کاربری‌های فرهنگی و هنری اجتماع‌محور مانند سینما، سالن تئاتر، گالری‌های هنری، موزه و... از یک سو، سرانه اندک فضای سبز، فضای ورزشی و آموزشی از سوی دیگر و در کنار آن کمبود سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی فعال در محور ابوذر از جمله مواردی است که بعد معنایی را در این خیابان در مسیر نابودی قرار داده است.

در فرایند انجام مصاحبه با کنشگران و ذی‌نفعان بهره‌بردار در محور ابوذر، ۶۵ مصاحبه با پرسش‌های نیمه ساختاریافته به شکل حضوری با شهروندان این محور انجام و با تلفن همراه ضبط شد. در این مصاحبه‌ها در ابتدا وضعیت کنونی محور، مهم‌ترین مسائل و مشکلات، نیازهای عمده، آسیب‌های اجتماعی موجود و مطالبات شهروندان مورد پرسش قرار گرفتند. در ادامه از مصاحبه‌شوندگان درباره میزان حضور و کیفیت ارائه خدمات دستگاه‌های خدمات‌رسان مانند شهرداری و واحدهای نظارتی از جمله نیروی انتظامی (کلانتری و راهور) در هنگام بروز و رفع مسائل و آسیب‌های موجود پرسش شد. مصاحبه‌شوندگان در بازه سنی ۱۴ تا ۷۵ سال بودند و از میان ساکنان محور و مغازه‌داران غیرساکن انتخاب شدند. برای تکمیل، نمایش بهتر داده‌ها و همچنین یافتن پاسخ برای پرسش‌هایی که ذهن پژوهشگر را در مورد وضعیت محور ابوذر درگیر کرده و در قالب مصاحبه‌ها نمی‌گنجیدند، این محور مورد مشاهده مستقیم پژوهشگر قرار گرفت و علاوه بر موارد اشاره شده در مصاحبه‌ها که قابلیت ثبت تصویری داشتند، از کیفیت سایر مبلمان شهری در این محور نیز تصویربرداری شد.

کشف و تدوین نظریه مبنایی

در جریان نگارش نظریه داده‌بنیاد، به پیشینه پژوهش‌هایی که پیرامون مفاهیم خیابان، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی انجام شده بود، استناد شد تا حمایت بیرونی برای مدل نظری فراهم شود. همسو با این امر، ایده‌ها و برداشت‌های پژوهشگر در خصوص چرایی

وضعیت کنونی خیابان ابودر، علل ایجاد تعارض و پیامدهای آن و چگونگی ایفای نقش سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی در حل تعارض‌ها، در تدوین تبیین مفیدی که بتواند راه‌گشای حل مسأله مورد پژوهش باشد به‌کار گرفته شد.



شکل ۱- مدل پارادایمی بررسی نقش خیابان در ایجاد مکث شهری و ورود سرمایه‌های فرهنگی به شهر

تحلیل اجزای مدل پارادایمی

آنچه یک خیابان را در سراسیابی فرسایش معنا قرار می‌دهد، می‌تواند علتی برای عدم تمایل به مکث و تماشا در آن باشد. ظاهر آشفته و آلوده خیابان، نخستین عاملی است که

فرد را فارغ از هر گرایش و منشی از خود می‌راند. مواردی از جمله فراز و فرودهای ترددی، زوائد بصری، فرسودگی کالبد به همراه آلودگی‌های محیطی - که با فراوانی زیاد در خیابان ابوذر مشاهده می‌شود - در یک محور آشفته‌گی به بار می‌آورد. منش شهروندان نیز هماهنگ با فضایی که زیست روزانه خود را در آن می‌گذرانند، شکل گرفته و در پیوند تنگاتنگ با عمل ناخودآگاه‌شان قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، ساکنان و کاسبان یک محور هنگامی که برای زمان طولانی با آشفته‌گی و آلودگی محیط پیرامون‌شان مواجه‌ند، آن را به عنوان امری عادی می‌پذیرند و سپس بر اساس عادت‌های ذهنی که مبتنی بر عقل نیست و تقریباً شبیه تصمیمی غیرعادی عمل می‌کند، به آن دامن می‌زنند. منش اینان هم زمان هم علت زوال معناست و هم معلول شرایط موجود.

افزایش دامنه آشفته‌گی‌های پیرامونی و آلودگی محیطی، نارضایتی ساکنان را در پی دارد و این امر در حالی اتفاق می‌افتد که این آشفته‌گی‌ها، در یک دیالکتیک اتفاق افتاده است: خیابان، آلوده است و وجود آلودگی برای ساکن خیابان عادی‌انگاری شده است؛ پس او زباله خود را در خیابان رها می‌کند. این موضوع در طول زمان به منش ساکنان تبدیل می‌شود. آشفته‌گی و نارضایتی، کاهش هم‌بستگی‌های اجتماعی را بین ساکنان یک خیابان به وجود می‌آورد و یک محور را در سرایشی فقدان معنا قرار می‌دهد.

نوع، کیفیت و نحوه چیدمان المان‌های شهری در خیابان ابوذر مانند تابلوهای راهنما، محل‌های تبلیغات شهری، کف‌پوش، نمای جداره‌ها، دیرینگی بناها، ریزدانگی و مواردی از این دست، زمینه شکل‌دهنده خیابان است. این زمینه ظرفیت بالقوه‌ای برای معنادهی به محور ابوذر را دارد.

اصالت‌بخشان که شامل افراد تأثیرگذار محلی، کنشگران قدرتمند در خیابان بویژه مسجد ابوذر، معتمدان، جوانان و زنانند، می‌توانند با ورود آگاهانه خود به طرح‌های فرهنگی و اجتماعی، وضعیت موجود این محور را به سمت وضعیت مطلوب سوق دهند. این گروه‌ها در عین اینکه از مقبولیت و مشروعیت جمعی برخوردارند، توانش اقتناع و همراه ساختن ساکنان و کاسبان را بدون صرف هزینه‌های مادی و تنها با راهبرد

سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی دارند. این امکان، مدیریت شهری را در پیش بردن طرح موفق می‌سازد. در نهایت ساکنان ابوذر، شاهد خیابانی خواهند بود که زیست‌پذیرتر شده است، شهروندان مایل به تماشا و مکث در آن هستند، مقصدی برای گذران وقت و محلی برای قدم زدن، ایستادن و تماشا کردن می‌شود و گروه‌های حساس شامل سالمندان، توان‌یابان و کودکان که می‌توانند با امنیت وارد آن شوند. هنگامی که سرمایه‌های فرهنگی به سرمایه‌های نمادین تبدیل می‌شوند، جریان به‌سازی‌های فرهنگی در سایه سرمایه‌های نمادین پایدار و پویا باقی می‌مانند.

نتیجه‌گیری

خیابان در ایران، هیچ‌گاه به اندازه دوران معاصر ما در سخت‌افزار سنگین شهر نادیده گرفته نشده است. اکنون به خیابان همچون زمینه بیجانی می‌نگریم که تنها محملی برای عبور توده‌های آهنی است، تهی از معنا و عاری از پشتوانه فرهنگی. اگرچه به روایت تاریخ، سهم تصمیم‌گیری‌های حکومتی و بازی‌های سیاسی در هر دوره در فرسایش معنایی خیابان و تبدیل آن به پوسته‌ای خشک و خشن بسیار پررنگ بوده است؛ اما مهجور بودن فرهنگ نیز بسیار قابل تأمل است. نکته مهم در احیای معنای خیابان، توجه به زمینه است. معنای خیابان در میان حجم انبوه آشفتگی اجزای طراحی‌اش، زوائد بصری و بی‌نظمی زمینه‌اش استحاله می‌شود. علاوه بر این منش اجتماعی شهروندانی که زیست شهری روزانه آن‌ها در خیابان سپری می‌شود، می‌تواند معنای خیابان را بازآفرینی و یا نابود کند. منش شهروندان در ارتباط و تعامل با میدانی که در آن زندگی می‌کنند، تأثیر می‌گیرد و متأثر می‌شود؛ به همین دلیل باید به ماهیت رابطه‌ای واقعیت اجتماعی پرداخت زیرا مفاهیم شهری و شهروندان دارای روابط لازم و ملزوم با یکدیگرند و در رابطه با هم معنا می‌یابند و کنش و واکنش شهروندان در خیابان، با توجه به منش‌ها و موقعیت‌شان در میدان تعیین می‌شود.

همان‌گونه که بوردیو اعتقاد داشت، آن‌ها که همیشه در مواضع فرودست قرار

گرفته‌اند، مجهز به منشی نیستند که به آن‌ها امکان دهد به الگوهای از عمل وارد شوند که زندگی را بهبود می‌بخشد؛ برعکس، منش‌شان به آنان امیال، انگیزه‌ها، دانش، مهارت‌های امور روزمره و راهبردهایی را ارائه می‌کند که موضع مادون آن‌ها را بازتولید خواهد کرد. بر همین اساس مواردی از جمله خشونت خیابانی و آلوده کردن محیط که برخاسته از منش افراد است، در چرخه‌ای همیشگی بازتولید شده و معنای خیابان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی خیابان ابوذر شامل جوانان است که در ساختمان جمعیتی محور ابوذر آمار بسیاری را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین بزرگان مسجد ابوذر که نقش تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را ایفا می‌کنند، معتمدان محلی که منزلت اجتماعی دارند و اعتبار شهدایی که این منطقه تقدیم انقلاب و جنگ کرده است، سرمایه‌های فرهنگی بالقوه این خیابان هستند، اما اراده‌ای برای همسو کردن آنان با اهداف شهری وجود ندارد. سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی بر خلاف سرمایه‌های فیزیکی اگر مورد استفاده قرار نگیرند، مستهلک می‌شوند. میزان مشارکت این سرمایه‌ها با کیفیت عملکرد دستگاه‌های متولی اداره شهر و میزان توجه به آنان در برنامه‌ریزی‌های شهری در ارتباط است؛ به عبارت دیگر میزان وعده‌های تحقق نیافته، قول‌های عملی نشده، مطالبات برجای مانده، استفاده‌های ابزاری و مواردی از این دست از سوی مدیریت شهری و دولتی، از اقبال این گروه به حضور در طرح‌های مشارکت محور می‌کاهد. در حالی که سرمایه‌های اجتماعی به عنوان تسهیلگر توان بسیاری در کاهش هزینه‌های نگهداشت شهر و همراه کردن سایر گروه‌ها برای اداره شهر و بهبود کیفیت زندگی دارند.

خیابان ابوذر پیشینه‌ای اجتماعی - سیاسی دارد؛ اما معنایی که از این محور در ذهن ساکنان نقش بسته است، طیف ناهمگونی از خشونت خیابانی تا تعلق محله‌ای را در بر می‌گیرد؛ با این وجود فصل مشترک فوکوس گروپ کارشناسان مدیریت شهری و مصاحبه نیمه ساختاریافته با اهالی خیابان ابوذر این نکته است که این خیابان، فخر

گذشته را ندارد و از معنا خالی است؛ محوری آشفته و آلوده که پایش‌های نظامی و انتظامی در آن به حداقل رسیده است و سرمایه‌های فرهنگی در آن مجالی برای بروز ندارند. قدمت سکونت در ابوذر به دلیل نارضایتی شهروندان، ناشی از کمبود امنیت اجتماعی و روانی در حال کاهش است و این مسأله، کاهش سرمایه‌های اجتماعی و کوچ سرمایه‌های فرهنگی را برای پایداری آشفستگی این خیابان هموار می‌کند. بنا بر یافته‌های حاصل از مشاهده‌ها طی فرایند تدوین نظریه داده‌بنیاد، به این نتیجه رسیدیم که بسیاری از مسائل خیابان ابوذر، بیش از آن که منشأ مدیریتی و نظارتی داشته باشند، جنبه فرهنگی و اجتماعی دارند و با کنترل‌های سخت‌گیرانه و انتظامی حل نمی‌شوند؛ برای نمونه یکی از مهم‌ترین مسائل این محور، آلودگی پیرامونی آن است و این مسأله علاوه بر فقدان نظام پایش نظامی، از منش آلوده‌کننده‌گان و تبعیض در رسیدگی به بهبود وضعیت خیابان تأثیر می‌پذیرد. روند رو به کاهش سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی در خیابان ابوذر، تابع شرایط متفاوتی است. عده‌ای از ساکنان به دلیل سابقه سکونت و هویت اجتماعی حاصل از آن، تمایل دارند همچنان در این محور زندگی و فعالیت کنند و سرمایه‌های خود را ارتقا دهند. در مقابل، برخی از ساکنان و مغازه‌داران تنها به دلیل اجاره‌بهای کمتر در این خیابان مانده‌اند و در اولین فرصت قصد دارند به منطقه بهتری کوچ کنند. دیرینگی سکونت، وجه اشتراک‌هایی با تمایل به ماندن در محور و در نتیجه معنابخشی به خیابان و احیای سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد. هنگامی که مقتضیات اولیه و حقوق ابتدایی شهروندی در این خیابان تأمین نمی‌شود، ساکنان قدیمی برای به دست آوردن استانداردهای زندگی بهتر و آرام‌تر ناچار به ترک محله خود می‌شوند. پیامد این کوچ خودخواسته و از سر اجبار، آثار اجتماعی بعضاً آسیب‌گونه‌ای‌اند که سرآغاز زوال معنایی خیابان است. ارزش ملک در سرایشی قرار می‌گیرد و گروه‌های کم درآمد و بیشتر مهاجر، به این محله‌ها می‌آیند؛ ساکنان جدیدی که به محیط پیرامون‌شان تعلق خاطر ندارند. ساکنان جدید به دلیل اینکه کمترین پیوند و انسجام اجتماعی را با هم دارند، شرایط را برای بروز و تجلی سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی در خیابان ابوذر سخت‌تر از پیش می‌کنند.

خیابان در معنا و مفهوم نوین، می‌تواند به جای صحنه‌ای خشن برای عبور سریع سواره‌ها، به صحنه‌ای لطیف برای تماشا و مکث شهری بدل شود و این امر محقق نخواهد یافت مگر با شناخت صحیح تعارض‌ها و ناسازگاری‌هایی که موجبات بی‌تعادلی ساحت خیابان را فراهم کرده‌اند و ارائه کاربست‌های دانشی برای رفع آن‌ها. صحنه خیابان اگر به درستی چیدمان گردد، این ظرفیت بالقوه را داراست که از بعد روان‌شناسی اجتماعی نیز، نقش تسهیلگری برای تقویت روانی شهروندان داشته باشد و کارکرد درمانگری را با نمایش زیبایی و پویایی خود متجلی سازد. از نقش محدود خود به عنوان صرفاً محلی برای گذر خودرو خارج شده و با به نمایش گذاشتن معنای فاخر، شهروندان را به تماشا، تعامل سازنده و مشارکت فعال دعوت کند. این امر با توشه‌ای از جنس سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی محقق می‌شود. معنا، امری فرهنگی است که باید با نور آن دوباره پرونده خیابان را بازخوانی کرد. این روشی است که راهگشای مدیریت شهری در حل مسائل این حوزه است. خیابان مشحون از سرزندگی و حیات است اگر از جنبه آسفتگی، سواره‌محوری و سرعت آزاد شود.

پیشنهادها

با توجه به پژوهش پیشنهاد می‌شود برای احیای معنا در خیابان ابوذر، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی این خیابان به فرآیند به‌سازی فرهنگی ورود پیدا کنند. این گروه‌ها می‌توانند در عین بازی، نقش کاتالیزوری خود، رابطی امین میان شهروندان و مدیریت شهری باشند. علاوه بر این نیازسنجی، آسیب‌شناسی و برآورد فراوانی نیازهای اولویت‌دار اهالی خیابان به وسیله گفت‌وگوی مستقیم با آنان و کم کردن فاصله‌هایی که به طور معمول میان مدیریت شهری و شهروندان وجود دارد، تصویر روشن، فاقد ارزش‌گذاری‌های سیاسی و صادقانه‌ای از وضعیت موجود خیابان به دست می‌دهد.

فهرست منابع

آتشین بار، محمد. متدین، حشمت‌الله. (۱۳۹۷). زوال بعد معنایی خیابان در ایران؛ از باستان تا امروز. ماهنامه باغ نظر. ۱۵(۶۷).

اربابان اصفهانی، آرش. سیدصادقی، سید محسن. (۱۳۹۴). بررسی دوره‌های شکل‌گیری و عناصر کالبدی خیابان‌ها و روند پیشرفت آن به شکل امروزی. سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری. اژدری، میلاد. (۱۳۹۸). فضاهای مکث شهری. آتلیه معماری ما. اسمیت، فلیپ. (۱۳۹۶). درآمدی بر نظریه فرهنگی. حسن پویان. چاپ ۵، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

چرخچیان، مریم. (۱۳۹۶). زندگی روزانه در خیابان. نشریه منظر (۳۹). حریری، نجلا. (۱۳۹۴). فوکوس گروپ به مثابه پژوهش کیفی، «فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات. ۲ (۷-۸).

حسینی زاده، سید سعید. نیازی، محسن. کلاتری، عبدالحسین. (۱۳۹۹). احساس تنهایی در شهر، علل و پیامدها. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۹). کلان‌شهر و فرهنگ؛ جستارهای انسان‌شناختی درباره پژوهش شهری، فرهنگ و سیاست شهری. تهران: فرهامه.

کرسول، جان. (۲۰۲۰). پوشش کیفی و طرح پژوهش. حسن دانایی فرد و حسین کاظمی. چاپ چهارم. ویراست دوم. تهران: انتشارات صفار.

گیدنز، آنتونی. بردسال، کارن. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی. حسن چاوشیان. تهران: نشر نی. گون واردنا، کانیشکا. کیفر، استفان. میلگرام، ریچارد و اشمید، کریستین. (۲۰۱۴). فضا، تفاوت، زندگی روزمره، خوانش‌های هانری لوفور. افشین خاکباز و محمد فاضلی. تهران: تیسرا.

مصطفی پور، کامبیز. (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی؛ سرمایه بی پایان شهر؛ نگرشی به رابطه سرمایه اجتماعی با مدیریت پسماند شهری. تهران: تیسرا.

مهاجری، اصغر. (۱۳۹۹). مطالعات اجتماعی و بازآفرینی شهری محور ابوذر. تهران: شهرداری منطقه ۱۷.

هاروی، دیوید. لوفور، هانری. سوچا، ادوارد. دی. لایت، راسل مالون، کارن. فرناندو، نیشا. و دیگران (۲۰۱۷). مطالعات شهری؛ نظریه و عمل (ج ۱). نرگس خالصی مقدم و آیدین ترکمه زیر نظر نعمت‌الله فاضلی. تهران: مؤسسه نشر شهر.

Cosco, N and R Moore (2002), Our neighbourhood is like that! In Chawla, page 41.

Fernando, N. (2000) "An Analysis of the Changing Character of an Urban Street: A Case Study on Galle Road, Colombo, Sri Lanka," Built Environment Sri Lanka, 37-25 :2/1.